



دانشگاه ایلام
دانشکده‌ی ادبیات و علوم انسانی

پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی

عناصر اساطیری و حماسی در شعر شاعران برجسته‌ی مشروطه
(ادیب الممالک فراهانی، ملک‌الشعراى بهار، عارف قزوینی، میرزاده‌ی عشقی،
سید اشرف‌الدین گیلانی «نسیم شمال»)

توسط:

سمیه عباسی زاده

استاد راهنما:

دکتر غلامرضا رحیمی ششده

استاد مشاور:

دکتر رحمان ذبیحی

بهمن ۱۳۸۹

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به

پدر و مادر مهربانم
به خاطر تمام حقایقی که چشم مریدانها کشودند و محبت
بی دریغشان که فروکش نمی کند

و به همسر عزیزم
که آفتاب مهرش در آستانه‌ی قلم غروب نخواهد کرد

من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق

حمد و سپاس خداوندی را که خود را به ما شناساند و شیوه پاسکزاری اش را به ما الهام کرد و ابواب علم ربوبیت خویش را به روی ما بگشاید و ما را به اخلاص در توحید او راه نمود و از اتحاد و تردید در امر وی به دور داشت.

حالی که بایاری ایندمنان نجارش این رساله به پایان رسیده است بر خود فرض می دانم که از زحمات ارزنده و راهنمایی های فاضلانه ی جناب آقای دکتر رحیمی، استاد عزیزم که در طول تحصیل و انجام پایان نامه راهنمای این جانب بودند، کمال تشکر و قدردانی را داشته باشم. از جناب آقای دکتر فحمتی که از مشورت های ایشان در هنگام تنظیم پایان نامه بهره های فراوان برده ام، نهایت سپاس را دارم.

از تمامی اساتید محترم گروه زبان و ادبیات فارسی که از محضر علم و ادب ایشان کسب فیض نموده ام، پاسکزاری نموده و توفیق بهنگان را از درگاه پاک پروردگار بزرگ آرزو مندم.

چکیده

عناصر اسطوره‌ای در شعر هر دوره از جایگاه خاصی برخوردار است. اگر در دوره‌ی سامانی و غزنوی گرایش به اسطوره از اهمیت خاصی برخوردار است و به عکس آن در عهد سلجوقی با توجه به شرایط موجود، عدم اقبال به باورهای ملی یک ویژگی سبکی در شعر محسوب می‌شود؛ در دوره‌ی مشروطه نیز با توجه به احوالات سیاسی اجتماعی این عصر بیشتر شاعران جریان‌ساز این عهد برای تحریک و برانگیختن عاطفه و حس مخاطبین خود، از این الگوهای نمادین استفاده کرده‌اند. برداشت‌های شاعرانه-ی اساطیر برجسته‌ی این دوره از داستان‌ها و اساطیر ملی و شخصیت‌های حماسی و تاریخی در تحکیم و القاء مفاهیم مطرح شده در دوره‌ی مشروطیت، بسیار حائز اهمیت است؛ به گونه‌ای که این پشتوانه‌های محکم را با مسائل روز جامعه پیوند داده و از این طریق جرقه‌های غرور ملی را در دل‌های بسیاری از ایرانیان، شعله‌ور ساختند. با توجه به تأثیر چشمگیر عناصر اسطوره‌ای در شعر این دوره، نگارنده به بررسی مصادیق این موضوع بر اساس عناصر پرکاربرد اساطیری با رعایت تقدم زمانی و نیز بسامد و اهمیتی که داشته‌اند، به تدوین این رساله پرداخته است. این رساله مشتمل بر شش فصل می‌باشد. فصل اول شامل مقدمه، کلیات و تعاریف است. فصل دوم در بردارنده‌ی اسطوره‌ی شاهان و پهلوانان ایران باستان می‌باشد که بخش عمده‌ی این رساله را در بر گرفته است. فصل سوم مربوط به اسطوره‌ی شاهان تاریخی و بیان مجد و عظمت گذشته‌ی ایران است. فصل چهارم شامل اسطوره‌ی جانوران و اشیاء است که به صورت نمادین در ادبیات فارسی ماندگار گشته و زمینه‌ساز بیان بسیاری از مفاهیم سیاسی شده‌اند. فصل پنجم در بردارنده‌ی اساطیر عرایس و معاشیق است که در آن نگاه شاعران به وطن عاطفی و احساسی بوده است. فصل ششم مربوط به داستان پیامبران است. در این قسمت شاعران عملکرد پیامبران را سرلوحه‌ی خویش قرار داده و در بیدارسازی ملت از آن سود جستند.

واژگان کلیدی: شعر مشروطه، شاعران جریان‌ساز، اسطوره، حماسه.

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

فصل اول تعاریف و کلیات

۲	۱-۱. مقدمه
۴	۲-۱. شرح و بیان مسأله پژوهشی
۴	۳-۱. اهداف پژوهش
۵	۴-۱. اهمیت و کاربرد نتایج تحقیق
۵	۵-۱. پیشینه‌ی تحقیق
۵	۶-۱. فرضیه‌ها
۶	۷-۱. روش تحقیق
۷	۸-۱. تعریف اصطلاحات
۷	۱-۸-۱. معنای لغوی اسطوره
۸	۲-۸-۱. اسطوره از دیدگاه اندیشمندان خارجی و ایرانی
۱۱	۳-۸-۱. تقسیم‌بندی اسطوره
۱۲	۴-۸-۱. اسطوره از دیدگاه روانکاوی
۱۳	۵-۸-۱. اسطوره، حماسه و ادبیات
۱۵	۶-۸-۱. انقلاب مشروطه
۱۸	۷-۸-۱. بازتاب اسطوره در شعر شاعران مشروطه
۱۸	۹-۱. معرفی شاعران جریان‌ساز مشروطه
۱۹	۱-۹-۱. ادیب الممالک فراهانی

۲۰	۲-۹-۱. ملک الشعراى بهار
۲۲	۳-۹-۱. عارف قزوینى
۲۴	۴-۹-۱. میرزاده‌ى عشقى
۲۵	۵-۹-۱. سید اشرف الدین گیلانى (نسیم شمال)

فصل دوم: اسطوره‌ى شاهان و پهلوانان ایران باستان در شعر عصر مشروطه

۲۸	۱-۲. در آمد
۲۸	۲-۲. کیومرث
۳۱	۱-۲-۲. مشى و مشیانه
۳۲	۳-۲. جمشید
۳۴	۱-۳-۲. کاربرد اسطوره‌ى جمشید برای تأثیر
۳۷	۲-۳-۲. _____ برای بیدارسازی ملت
۳۹	۳-۳-۲. _____ برای نکوهش
۴۰	۴-۳-۲. _____ برای مدح
۴۲	۵-۳-۲. _____ برای تهنیت
۴۴	۴-۲. جم و سلیمان
۴۵	۵-۲. ضحاک
۴۸	۶-۲. فریدون و کاوه
۵۵	۷-۲. سلم و تور و ایرج
۵۷	۸-۲. زال
۶۰	۹-۲. رستم
۶۵	۱-۹-۲. رستم و اسفندیار
۶۸	۲-۹-۲. رستم و سهراب
۶۹	۱۰-۲. کی قباد
۷۳	۱۱-۲. کاووس
۷۵	۱۲-۲. سیاوش

۷۷	۱۳-۲. افراسیاب
۸۱	۱۴-۲. اهورامزدا
۸۳	۱۵-۲. آرش
۸۴	۱۶-۲. جاماسب
۸۶	۱۷-۲. گرشاسب
۸۷	۱۸-۲. گشتاسب

فصل سوم: اسطوره‌ی شاهان تاریخی در شعر عصر مشروطه

۹۰	۱-۳. در آمد
۹۰	۲-۳. اسکندر
۹۵	۱-۲-۳. اسکندر، خضر و آب حیات
۱۰۰	۳-۳. انوشیروان
۱۰۷	۴-۳. خسرو پرویز
۱۱۰	۵-۳. اردشیر بابکان
۱۱۲	۶-۳. دارا (داریوش)

فصل چهارم: اسطوره‌ی جانوران و اشیا در شعر عصر مشروطه

۱۱۸	۱-۴. در آمد
۱۱۸	۲-۴. رخس
۱۲۱	۳-۴. سیمرغ
۱۲۵	۴-۴. جام جم
۱۲۷	۵-۴. بیستون
۱۳۳	۶-۴. درفش کاویان

فصل پنجم: اسطوره‌ی عرایس و معاشیق در شعر عصر مشروطه

۱۳۴	۱-۵. درآمد
۱۳۴	۲-۵. لیل و مجنون
۱۳۹	۳-۵. خسرو، شیرین و فرهاد
۱۴۴	۴-۵. بیژن و منیژه
۱۴۶	۵-۵. وامق و عذرا

فصل ششم: داستان پیامبران در شعر عصر مشروطه

۱۴۹	۱-۶. درآمد
۱۴۹	۲-۶. حضرت آدم (ع)
۱۵۴	۳-۶. حضرت نوح (ع)
۱۵۸	۴-۶. حضرت ابراهیم (ع)
۱۶۲	۵-۶. حضرت یعقوب (ع)
۱۶۵	۶-۶. حضرت یوسف (ع)
۱۷۰	۷-۶. حضرت موسی (ع)
۱۷۸	۸-۶. حضرت داوود (ع)
۱۸۱	۹-۶. حضرت سلیمان (ع)
۱۸۵	۱-۹-۶. آصف برخیا
۱۸۸	۱۰-۶. حضرت عیسی (ع)
۱۹۴	۱-۱۰-۶. دجال
۱۹۹	نتیجه گیری
۲۰۱	فهرست جداول
۲۰۴	منابع و مأخذ

فصل اول

کلیات و تعاریف

۱-۱. مقدمه

یکی از برجسته‌ترین رخدادهای سیاسی که در طول تاریخ ایران روی داده است، انقلاب مشروطه است که موجب تحول شگرف در ساختارهای اجتماعی، فرهنگی و سیاسی در دوره‌ی قاجار گشته است. به عقیده‌ی بسیاری از اندیشمندان، عصر قاجار یکی از دورانی هست که در آن شاهد تحولات عظیم اجتماعی می‌باشیم؛ چرا که ایرانیان در این دوره با دنیای مدرن آشنا گشته و افکار و مسائل جدیدی در جامعه مطرح شد که قبل از آن چندان بدان توجه نمی‌شد.

مردمانی که تاریخ و گذشته‌ی پرفراز و نشیبی دارند دارای اساطیر و داستان‌های برجسته‌ای هستند که گذشت زمان نه تنها چهره‌ی آن‌ها را غبارآلود نمی‌کند؛ بلکه مسائل مربوط به هر دوره رنگ و بوی خاص و تازه‌ای به این اساطیر می‌دهد. به این جهت در هر عصر ما با برداشت‌های متناسب با آن روزگار از اساطیر مواجه می‌شویم. در این میان عکس‌العمل‌های شاعران و متفکران مشروطه در برخورد با مسائل جدیدی که به تازگی وارد جامعه‌ی ایرانی شده بود، موجب شد تا از دیدگاهی متفاوت به اساطیر ملی توجه شود و با قرار دادن ایران گذشته در برابر ایران حال در پی بازگو کردن از دست رفته‌ها و بازگشت قدرت و اقتداری که سالیان دراز موجب افتخار این ملت است. از لابه‌لای اشعار و گفته‌های شاعران می‌توان مشاهده کرد که چگونه بر دستاوردهای حاصل از انقلاب مشروطه، نظام دیکتاتوری سایه افکند و بسیاری از جانفشانی‌ها در این راه بی‌نتیجه ماند و استبداد و استعماری که حقوق ملی مردمان خفته در خواب غفلت را به غارت می‌برد، موجب یأس و بدبینی متفکران نسبت به مشروطه و ناکام ماندن اهدافشان گشت.

نگارنده به سبب علاقه‌ی بسیاری که به مسائل مربوط به دوره‌ی مشروطه داشت، بررسی اساطیر در شعر شاعران جریان‌ساز مشروطه را به عنوان موضوع پایان‌نامه انتخاب کرد تا بعد از گذشت یک قرن، مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی این دوره، از دیدگاه اساطیر تبیین و بررسی گردد و خط سیری از برداشت شاعران و سخن‌سرایان برجسته‌ی آن روزگار از مسائل مربوط به انقلاب مشروطه و پیوند آن با گذشته‌ی اساطیری ایران، ترسیم گردد.

شاعران دوره‌ی مشروطیت به عنوان قشر آگاه و روشن‌فکر در عرصه‌ی مسائل اجتماعی، سیاسی برداشت‌ها و عکس‌العمل‌های گوناگونی نسبت به مسائل و موضوعات جدید داشتند که این عملکرد در افکار اقدار مختلف جامعه تأثیر به‌سزایی داشت. ایشان در پی آگاهی و آشنایی مردم با مفاهیم جدیدی از جمله: قانون، آزادی، عدالت، انتخابات، حقوق ملی و فردی و... بودند.

زنده کردن احساس غرور ایرانیان با بیان مفاهیم احساسی و اندیشه‌های وطن‌پرستی و بیگانه‌ستیزی در شعر شاعران این دوره، توجه مردم را به میهنی که دارای حاکمیت ملی باشد، برانگیخت و باعث شد تا مردم آگاهانه در پی طی کردن پله‌های ترقی باشند.

ویژگی مشترک شاعران این دوره، شعارزدگی و توجه بسیار به مسائل روزمره بود؛ چرا که ادبیات در این دوره در خدمت آرمان‌های اجتماعی و سیاسی درآمده و شاعران از هنر خود برای حفظ میهن و ترقی آن و دفاع از مردم مظلوم سود جستند. شروع شدن یک مبارزه‌ی فراگیر سیاسی برای رسیدن به هدف مشترک آزادی که در آن تمام نابرابری‌ها از جامعه برداشته شود و مردم از یوغ استثمار رها گردند، باعث شده بود تا شاعران کمتر به شیوه‌ی بیان خود توجه کنند و این امر موجب عدم ماندگاری برخی از اشعار شعرا گردید.

با توجه به اثرگذاری شاعران دوره‌ی مشروطه در روند جریان‌ات مشروطیت که به بهترین شکل، رسالت اجتماعی شعر را ارائه داده‌اند، برای تبیین درون‌مایه‌های جدید که در ادبیات این عصر به وجود آمده، دامنه‌ی تحقیق را به دیوان اشعار پنج تن از شاعران برجسته‌ی این دوره (ادیب‌الممالک فراهانی، ملک‌الشعراء بهار، عارف قزوینی، میرزاده‌ی عشقی و سید اشرف‌الدین گیلانی) محدود کردیم تا مضامین اساطیری پرکاربرد به صورت دقیق استخراج شده و همه جوانب بررسی گردد.

امید است اساتید محترم که همواره با فروغ علم و کمال خویش راه تحقیق را بر من هموار نموده‌اند، بر کاستی‌های این رساله نظر کرده و با راهنمایی‌های حکیمانه‌ی خود، هرچه بیشتر ما را در تکمیل این رساله یاری رسانند.

ما بدان مقصد عالی نتوانیم رسید
هم مگر پیش نهد لطف شما گامی چند
سمیه عباس‌زاده

۱-۲. شرح و بیان مسأله‌ی پژوهشی

بخش مهمی از تاریخ ایران که علی‌رغم گذشت یک قرن هنوز برای بسیاری از پژوهش‌گران و ایرانیان، جنبه‌های ناشناخته فراوان دارد، عصر مشروطه و دوره بیداری است که از نظر تاریخ-نگاران نقطه‌ی عطف و حساس در تاریخ ایران به حساب می‌آید، می‌توان ریشه‌ی بسیاری از حوادث ایران را در دوره مشروطه جست، دوره‌ای که به واسطه‌ی آن حکومت استبدادی تغییر یافته و مردم از یوغ بندگی حاکمان رها شدند.

در دوره‌ی قاجار و مشروطه که عصر بیداری ایرانیان است، جامعه‌چندان سامان و انتظامی ندارد و به دنبال آشنایی ایرانیان با افکار و اندیشه‌های غربی، اندیشه‌های جدیدی از جمله: آزادی‌خواهی، حس وطن‌خواهی، مبارزه با استبداد و استعمار و ... وارد ادب فارسی شد. نکته‌حائز اهمیت این است که شاعران در برخورد و مبارزه با استبداد داخلی و استعمار خارجی از شخصیت‌های تاریخی و اسطوره‌ای ایران باستان یاد می‌کنند تا جامعه غرور ملی، اعتماد به نفس و خودباوری خویش را باز یابد و در نتیجه استقلال ملی آن حفظ شود. اما برخی از شاعران، ایران دوره اسلامی را نادیده گرفتند و به دوره باستان رمانتیک‌گونه نگریستند و از اسطوره‌های آن فراوان یاد کرده‌اند؛ مثلاً در برابر استبداد داخلی از عنوان ضحاک استفاده کرده و خواهان کاوه و فریدونی هستند که ملت را نجات دهد و یا در برابر استعمار، از ایرج ایران نام برده‌اند که دچار سلم و تور انگلیس و روس گشته‌است، لذا دنبال منوچهری می‌گردند. این رساله بر آن است که جلوه و نمود مفاخر ملی-حماسی و نحوه‌ی تأثیرگذاری این اساطیر بر مضمون و درون‌مایه‌ی شعر شاعران جریان‌ساز مشروطه را بررسی کند.

۱-۳. اهداف پژوهش

از اهداف اصلی این رساله عبارتند از:

- نگاه اجمالی به جایگاه اساطیر در فرهنگ و ادب ایرانی

- ذکر و تحلیل اسطوره‌ها در شعر شاعران برجسته‌ی دوره‌ی مشروطه
- آشنایی بیشتر نسبت به رابطه‌ی اساطیر باستان با ناسامانی‌های جامعه‌ی دوره‌ی مشروطه

۴-۱. اهمیت و کاربرد نتایج تحقیق

از آنجا که انسان‌ها در دوران گذشته، از دلایل واقعی رویداد اکثر پدیده‌ها اطلاعی نداشته‌اند، با توسل به اسطوره‌ها و ذکر داستان‌های خیالی تا حدی دلیلی، اگرچه غیرواقعی، برای پدیده‌ها پیدا کردند، بدین جهت در دوران اولیه‌ی آفرینش آثار ادبی آنچه موجب خیال‌انگیزی کلام شعرا می‌شده، همین کاربرد اسطوره‌ها بوده است. در دوران مشروطه، کاربرد اسطوره و حماسه‌ها در اشعار، آلت دست و حربه‌ای می‌شود در دست شعرا، تا به صورت‌های کنایی و درهاله‌ای از تاریکی، حرفهای دل آتشین خود را به گوش جامعه برسانند. بنابراین با تحلیل و شناخت اسطوره و حماسه‌ها می‌توان تصویری روشن از نگاه ادبای برجسته‌ی این دوره نسبت به حوادث دوره‌ی مشروطه به دست آورد که این امر کمک شایانی به شناخت تاریخ ادبیات این عصر خواهد کرد.

۵-۱. پیشینه‌ی تحقیق

تا کنون پژوهش‌گران، تحقیقات و تلاش‌های بسیاری در زمینه‌ی شعر مشروطه و اساطیر ایران انجام داده‌اند از جمله: آبراهامیان در ایران «بین دو انقلاب» و میر جلال کزازی در «رویا، حماسه، اسطوره»، بهزاد رشیدیان در «بینش اساطیری در شعر فارسی» و ... دیدگاه‌های ارزنده‌ای در مورد مشروطه و اسطوره اما به صورت مجزا، ارائه کرده‌اند ولی رساله یا تحقیقی که به طور مستقل به مشروطه از جنبه‌ی اساطیری نگاه کند و نقش اسطوره‌ها را در اشعار شاعران جریان‌ساز این دوره از جمله: بهار، ادیب‌الممالک فراهانی، نسیم شمال، میرزاده‌ی عشقی و عارف قزوینی، که در جریان به وجود آوردن استقلال ملی مردم نقش‌یہ سزایی داشته است، مشاهده نشده است.

۶-۱. فرضیه‌ها

۱- بینش اساطیری نقش بزرگی در بیدارسازی مردمان افسرده و غفلت‌زده‌ی دوره‌ی مشروطه داشته است.

۲- دگرگونی‌های تاریخی-اجتماعی در نگرش و طرز تلقی شاعران جریان‌ساز مشروطه تأثیرگذار بوده است.

۳- در کنار اسطوره‌های ملی و تاریخی، حماسه‌های مذهبی و دینی به تصویر کشیده شده‌اند.

۴- شخصیت‌هایی مانند فریدون، ضحاک و کاوه بیشترین نمود را در اشعار اساطیری این شعرا، داشته‌اند.

۱-۲. روش تحقیق

روش کار در این پایان‌نامه به صورت کتابخانه‌ای بوده است. ابتدا دیوان پنج شاعر موردنظر به طور دقیق مطالعه و فیش‌برداری شد و سپس مطالب و موضوعات طبقه‌بندی گردیده است. در بررسی و تحلیل موضوعات به کتاب‌های مرتبط رجوع شده و در تبیین و بسط مسائل از آن‌ها استفاده گردیده تا کاملاً موضوعات مورد بررسی قرار گیرد. تقسیم‌بندی موضوعات هم به صورت نسبی و قراردادی بوده است.

۱-۸. تعریف اصطلاحات

۱-۸-۱. معنای لغوی اسطوره

در بررسی اسطوره از لحاظ معنی لغوی نظرات چند تن از اندیشمندان در ذیل آورده شده که قریب به اتفاق ایشان اسطوره را سخن پریشان و بی اساسی می دانند که با فرهنگ جامعه و متناسب با حوادث و خلاقیت قومی پیوند خورده است.

- اسطوره در لغت به معنی افسانه و قصه است... در کاربرد امروزی، اسطوره قصه‌ایی است از منظومه اساطیر (Mytholog) که ظاهراً منشأ تاریخی نامعلومی دارد (شریعت، ۱۳۷۰: ذیل اسطوره)
- الاسطوره: افسانه. سخن آراسته بی اصل، اسطوره. ج. اساطیر. (جر، ۱۳۶۷: ذیل اسطوره)
- اسطوره به ضم اول و ثالث. ع. همان اسطوره است که به معنی افسانه و سخن باطل باشد. (پادشا، ۱۳۶۳: ذیل اسطوره)

- اسطوره [أز] [ع] [إ] اسطوره. اسطوره: سخن پریشان و بیهوده. سخن باطل. (دهخدا، ۱۳۷۱: ذیل اسطوره)

- اسطوره: ۱- افسانه، قصه ۲- سخن پریشان. (معین، ۱۳۷۱: ذیل اسطوره)
- اسطوره (Ostur) و اسطوره (Osturat): سخن پریشان و بیهوده و افسانه. (نفیسی، ۱۳۷۸، ج ۱: ذیل اسطوره)

- افسانه، روایت قدیمی، اساطیر = Myth (آریان پور کاشانی، ۱۳۷۴: ذیل اسطوره)
- واژه اسطوره (جمع اساطیر) معرب واژه لاتینی یا یونانی هیستریا (به معنای «پژوهش»، «تاریخ»؛ در لغت به معنای «افسانه، قصه و داستان افسانه‌ای» است. هیستریا در زبان انگلیسی به دو شکل Story (قصه و داستان) و History (تاریخ) باز مانده است، و این دقیقاً دو جنبه‌ی مهم و اساسی اسطوره را نشان می‌دهد: یکی پیوند آن با افسانه و داستان و خیال‌پردازی، و دیگر پیوند آن با تاریخ و حقیقت. (میهن فر، ۱۳۸۳: ۱۵)

- بیش از نیم قرن است که دانشمندان مغرب زمین، تحقیق درباره‌ی اسطوره را، از منظری که آشکارا با دیدگاه علمای قرن ۱۹ تفاوت دارد، آغاز کرده‌اند. آنان به جای آن که هم‌چون

اسلافشان، اسطوره را به معنای معمول کلمه، یعنی به مفهوم Eable، Fiction Inrention، بگیرند و مورد بررسی قرار دهند؛ آن را به همان معنی که در جوامع کهن یا عتیق، فهم و مراد می‌شود، یعنی بر خلاف استنباط دانشمندان یاد شده، به مفهوم و سرگذشتی واقعی و علاوه بر آن سرگذشتی بسیار ارزنده و گران‌قدر، چون امر قدسی، نمونه‌وار و پرمعنی، دریافتند. (الیاده، ۱۳۸۶: ۹)

- اسطوره یا میتولوژی عبارت است از داستان‌ها و اتفاقات و حوادثی که پایه و اساس تاریخی ندارند و یا حاوی افسانه‌هایی هستند که از اتفاقات و حوادث واقعی سرچشمه گرفته ولی به منظور مذهبی جلوه دادن آن‌ها، قیافه‌ی ظاهرشان عوض شده یا داستان‌هایی که هیچ واقعیت ندارند و زائیده خیال محض هستند. (گریمال، ۱۳۸۶، ج ۱: ۱۵)

- افسانه و اسطوره به عنوان جلوه‌هایی از فرهنگ، با خلاقیت قومی، رابطه‌ای مستقیم دارند و مراد از این خلاقیت، در این‌جا چیزی در حدود نوعی آفرینش هنری است. (یاحقی، ۱۳۸۶: ۵)

۱-۸-۲. اسطوره از دیدگاه اندیشمندان خارجی و ایرانی

در ادوار مختلف، هر یک از شاعران و نویسندگان، برداشت‌های متفاوتی از اساطیر داشته‌اند چرا که اسطوره‌ها با توجه به شرایط و وقایع موجود در هر جامعه، معنای متفاوتی پیدا کرده و نگرش‌های افراد به آن‌ها در هر دوره متفاوت با دوره‌های دیگر بوده است. بنابراین تعریف واحدی نمی‌توان برای آن پیدا کرد زیرا «اسطوره با در نظر گرفتن آنچه در اسطوره زنده است و حیات دارد، توجیهی ناظر به ارضای کنجکاوی علمی نیست، بلکه روایتی است که واقعیتی اصیل را زنده می‌کند و برآورنده نیاز عمیق دینی است، و با گرایش‌های اخلاقی، الزامات و احکام اجتماعی و حتی مطالبات علمی، مطابقت دارد و جواب‌گوی آن‌هاست» (الیاده، ۱۳۸۶: ۲۸)

به گفته ژان پل سارتر در کتاب «ادبیات چیست»، در زمان وقوع حوادث پهلوانی، آدمی تماشاگر و بیننده‌ی وقایع است که با اعمال بشری چندان تفاوتی ندارد، اما نتایجی که از این اعمال گرفته می‌شود مثلاً ایجاد استقلال ملی - دفع دشمنان و ... بر اهمیت و ارزشی که دارد به تدریج آن اعمال را به چشم نسل‌های آینده بزرگ می‌کند و چیزهایی به آنان افزوده می‌شود و قهرمانانی که از ایشان خاطراتی مانده، به تدریج به درجات فوق بشری ارتقاء می‌یابد و اعمال ایشان در شمار خوارق عادت درمی‌آید. «ظاهراً اسطوره‌ها به توجیه خردگرایانه، تن در نمی‌دهند

با این حال محرک جستجوی عقلانی‌اند، همین نکته خود دلیل وجود تنوع توضیحات متعارض است که هیچ یک از آن‌ها به قدر کافی برای توجیه اسطوره جامع و کامل نیستند». (روتون، ۱۳۷۸: ۳)

با توجه به این موارد در این قسمت، به طور خلاصه به چند نمونه از تعاریف اسطوره از دید اندیشمندان مختلف، پرداخته می‌شود:

- اسطوره از دیدگاه دانشمندان دکارتی (Descartes)

اسطوره تا روزگاری نه چندان دور شأنی نداشت و عقلای قوم به این مسأله بدگمان بودند. آلن فیلسوف فرانسوی (۱۸۶۸-۱۹۵۱) می‌گفت: فیزیک کودکان، سرچشمه‌ی همه‌ی اساطیر است و اسطوره بافی در کلام، سرچشمه‌ی هر گونه دیوانگی است، چنانچه کاردستی با چیزها، سرچشمه هر گونه‌ی فرزاندگی است. (کراپ، ۱۳۷۷: ۱۳۶)

- اسطوره از دیدگاه لوی استروس (Levi Strauss)

اسطوره ذهنیتی است بنیادین که در جامعه‌های امروزی نیز نفوذ دارد و متعلق به دوران‌های باستانی و سپری شده است. (ارشاد، ۱۳۸۲: ۱۷۷)

- اسطوره از دیدگاه منریتا مک کال (Mnrytamkkal)

اسطوره‌ها را به شیوه‌های گوناگون می‌توان تفسیر کرد: ۱- اساطیر می‌توانند تصویر تجسم یافته نیروهای کیهانی باشند مانند زمانی که هرج و مرج مقهور نظم می‌شود، ۲- آن‌ها می‌توانند بازتاب رویدادهای تاریخی از قبیل احداث دیوارهای شهر و بازگشت پیکره‌های آیینی باشند. ۳- آن‌ها می‌توانند صرفاً در خدمت مقاصد آیینی باشند، به عنوان مثال بازخوانی در جشن سال نو و رویدادهای آن‌ها. ۴- اسطوره‌ها می‌توانند بازتاب چرخه‌ی طبیعت باشند و به این ترتیب مخاطبان اطمینان حاصل کنند که خدایان ملی را در کنترل دارند. (اسطوره‌های بین‌النهرین، ص ۱۰۲)

- اسطوره از دیدگاه جوزف کمبل (Joseph Campbell)

تعریف اسطوره در یک فرهنگ واژگان، داستان‌هایی درباره خدایان است. (کمبل، ۱۳۷۷: ۴۸)

- اسطوره از دیدگاه میرچا الیاده (Myrchaalyadh)

اسطوره بیان‌گر تاریخ مقدسی است، زیرا شخصیت‌های این تاریخ و سرگذشت آنان همیشه برتر از انسان عادی‌اند و بنابراین در نظر اهل اعتقاد این سرگذشت‌ها و روایات، بیانگر حقایق‌اند، نه از

زمره تخیلات. (الیاده، ۱۳۸۶: ۲۱۳)

- اسطوره از دیدگاه دکتر میرجلال‌الدین کزازی

اسطوره در گسترده‌ترین معنای آن، گونه‌ای جهان‌بینی باستانی است. آنچه اسطوره را می‌سازد، یافته‌ها و دستاوردهای انسان دیرینه است. تلاش‌های انسان آغازین و اسطوره‌ای در شناخت خود و جهان و کوشش‌های گرم و تب‌آلوده‌ی وی در گزارش جهان و انسان دبستانی، جهان‌شناختی را پدید آورده است که آن‌را اسطوره می‌خوانیم (کزازی، ۱۳۷۶: ۶).

- اسطوره از دیدگاه دکتر محمود عبادیان

اسطوره در عام‌ترین مفهوم، عبارت است از دیرینه‌ترین سروده‌های بشری که در آن از خدایان، عالم و جهان زندگی، آن‌چنان که انسان در صدر تاریخ فعالیت فرهنگی خود در مقام تبیین آن بوده، سخن رفته است. اسطوره محصول دورانی است که آدمیان از جهان هستی بینش احساسی و شهودی داشته‌اند؛ و از این دیدگاه می‌توان گفت: که دانش نخستین اقوام باستانی است. اسطوره پرداخته‌ی نیروی خیالی مبتنی بر تجربه‌ی ابتدایی و نگرش بی‌واسطه آدمیان از پدیده‌ها و روابط جهان زندگی است، و مبین شرایط اجتماعی و تاریخی خاص و مسائلی بوده است که زندگی در دوره‌ی آغازین، توصیفی در برابر انسان می‌نهاده است (عبادیان، ۱۳۶۹: ۲۰).

- اسطوره از دیدگاه دکتر مهرداد بهار

اساطیر مجموعه‌ای است از تأثیرات متقابل عوامل اجتماعی-انسانی و طبیعی که از صافی روان انسان می‌گذرد. با نیازهای متنوع روانی-اجتماعی ما هماهنگ می‌گردد و همراه با آیین‌های مناسب خویش ظاهر می‌شود و هدف آن پدید آوردن سازش و تعادل بین انسان و پیچیدگی‌های روانی او با طبیعت پیرامون خویش است (بهار، ۱۳۸۶: ۴۱۱).

- اسطوره از دیدگاه دکتر علی سلطانی گرد فرامرزی

حوادث تاریخی همواره در راستای خواسته‌ها یا سود عامه‌ی مردم جریان نیافته است. در چنین شرایطی است که عاطفه و وجدان آدمی تلاش می‌کند تا خود را از محدوده‌ی واقعیت‌های جهان برهاند و جهانی را که مطلوب اوست، در عالم پندار بیافریند و در پوشش اساطیر، آنچه را که دوست دارد، به جای آنچه که واقعاً هست، قرار بدهد، بدین سبب در این گونه موارد، بازتاب آرزوهای بر باد رفته و عکس‌العمل و وجدان گروهی افراد جامعه است (سلطانی گرد فرامرزی، ۱۳۸۶: ۵۰).

اسطوره داستانی است به ظاهر، غیرواقعی و بی سر و ته که اگر قفل‌های آن را با کلید دانش و تحقیق بگشاییم، جهانی از حقایق را در آن نهفته می‌یابیم (همان: ۱۵).

۱-۸-۳. تقسیم‌بندی اسطوره

دانشمندانی که در حوزه‌ی اساطیر فعالیت می‌کنند برای شناخت دقیق‌تر اساطیر به تقسیم‌بندی‌هایی در مورد آن پرداخته‌اند تا میزان تأثیرگذاری آن را در قلمرو آثار ادبی بررسی کنند. در حقیقت «ادبیات گنجینه‌ای از اساطیر است و قدمت این گنجینه به زمان‌های کهن برمی‌گردد. اساطیر زبان گویای اوضاع اجتماعی هر ملت در گذشته است و نوشتن تاریخ و تمدن هیچ ملتی ممکن نیست، مگر به همراه دیگر پژوهش‌ها بررسی دقیق و همه‌جانبه‌ی اساطیر آن ملت نیز انجام یافته باشد» (بهار، ۱۳۸۴: ۴۵۹).

در واقع اساطیر برخاسته از تجربه‌های ابتدایی بشر، در برخورد با طبیعت پیرامونش می‌باشد. به گونه‌ای که برای تبیین آنچه که برایش اسرارآمیز جلوه می‌نمود دست به دامان اساطیر می‌زد و با چنین روشی یک رابطه‌ی عاطفی با مسائل پیرامون خود برقرار می‌نمود. در این میان ابوالقاسم اسماعیل‌پور در کتاب گستره‌ی اسطوره، اساطیر ایران را به سه دوره تقسیم کرده است:

۱- دوره‌ی باستان ۲- دوره‌ی میانه ۳- دوره‌ی نو

۱- دوره‌ی باستان: اساطیر باستان به طور گسترده‌ای در ادبیات فارسی و متون قدیم ایران وارد شده است مثل متون گاهانی و اوستایی که در برگیرنده‌ی اساطیر مربوط به ایزد بانوانی چون میترا و آناهیتا و هم‌چنین ایزدان دیگری از جمله: تیشتر (ایزد باران)، بهرام (ایزد جنگ) و غیره است. این اسطوره‌ها گاه مربوط به دوره‌ی متأخر اوستایی و گاه مربوط به دوره‌ی هندوایرانی‌اند.

۲- دوره‌ی میانه: اسطوره‌های این دوره، بیشتر در متون پهلوی یا فارسی میانه یافت می‌شود. اساطیر کهن ایرانی در این دوره، دست‌خوش تغییرات اندکی شده و گاه از جایگاه والای خود به جایگاهی پست‌تری نزول می‌کنند و بار دیگر به گونه‌ی اسطوره‌ای دگرگونه جلوه‌گر می‌شوند. در این دوره اساطیر زرتشتی افزوده شده‌اند.

۳- دوره‌ی نو: که شامل اسطوره‌های ایرانی تا سده‌های آغازین پس از اسلام می‌باشد در این دوره نیز اساطیر دچار تغییر می‌شوند. اسطوره‌ها در دوره‌ی نو هم از لحاظ شخصیتی و هم از لحاظ محتوا متحول گشته‌اند.